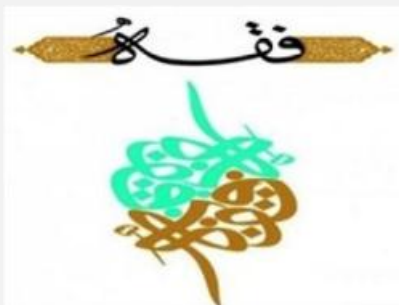




گسترش علوم جدید پرسشهای بسیار پیش روی فقه گذاشته است/ پرهیز از افراط و تفریط در فقه پویا

مدیر مدرسه عالی فقه دارالهدی با تأکید بر پرهیز از افراط و تفریط در فقه پویا، تصریح کرد: اگر ما از شناخت موضوعات جدید غفلت کنیم ...

مدیر مدرسه عالی فقه دارالهدی با تأکید بر پرهیز از افراط و تفریط در فقه پویا، تصریح کرد: اگر ما از شناخت موضوعات جدید غفلت کنیم و خود را به همان مسائلی که تا کنون در فقه مطرح بوده است، محدود کنیم، دیر یا زود فقه ما از این چرخ سریع و پرتحول زمانه عقب خواهد ماند و بسیاری از پرسشها را ما بدون پاسخ گذاشته و فقه دچار انزوا خواهد شد. حجت الاسلام محمد عمومی مدرس حوزه و مدیر مدرسه عالی فقه دارالهدی در گفتگو با خبرنگار مهر در تعریف اصطلاح 171#& فقه پویا؛ گفت: اصطلاح فقه پویا واژه پر سابقه ای نیست و شاید از دهه 60 این اصطلاح بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رواج پیدا کرد و محل بحث و گفتگوهای فراوان شد و مخالفان و موافقانی داشت و یک زمانی بحث داغ روز بود و در این دهه جنبه سیاسی هم پیدا کرد اما در حوزه مباحث علمی موضوع قابل توجهی است.

وی با تأکید بر اینکه طرح اینگونه مباحث فقهی مجالی گسترده تر می طلبد و در یک مصاحبه کوتاه نمی توان حق مطلب را ادا کرد، افزود: اما به اجمال باید یگویم که در مورد فقه پویا چند معنا محتمل است؛ وقتی صحبت از پویایی فقه می شود، ممکن است پویایی در مبانی مورد نظر باشد، دوم مراد پویایی در منابع باشد، معنای سوم فقه پویا ممکن است مراد پویایی در روشهای استنباط فقهی باشد و معنای چهارم ممکن است مراد در پویایی مسائل فقهی باشد.

این مدرس حوزه تصریح کرد: اگر این پویایی در مبانی مورد نظر باشد، پویایی در مبانی به معنای تحول و دگرگونی در مبانی مورد قبول ما نیست چون ما مبانی خدانشناسی، مبانی هستی شناسی، مبانی انسان شناسی و ... داریم که هر یک در جای خود استدلال شده است و ما آن مبانی را پذیرفته ایم و دگرگونی و تحول در آن راه ندارد، البته ممکن است یک نوع تعمیق و یک نوع تأمل بیشتر از جهت افزایش عمق باشد و نگاه خدانشناسانه ما و یا نگاه انسان شناسانه ما عمیق تر بشود که این به معنای پویایی و دگرگونی و تحول نیست.

حجت الاسلام عمومی تأکید کرد: اما اگر منظور از فقه پویا، پویایی در منابع باشد، یعنی ما منابع معتبر استنباط گزاره های فقهی مان دگرگون شود و منابعی که تاکنون مورد استفاده قرار می گرفته است مثل کتاب، سنت، مباحث عقلی و یا اجماع، بگویم این منابع دگرگون شود و منابع جدیدی را به عنوان منابع فقه استفاده کنیم که این مسئله هم مورد قبول ما نیست.

وی افزود: اما از حیث روش استنباط، در اینجا اگر کسی منظورش از فقه پویا این باشد که روش استنباطش به طور کلی روش جدیدی غیر از روش رایجی باشد که در تاریخ حوزه های علمیه و بین فقهای بزرگوار رایج بوده است و به معنای دگرگونی کامل در روش استنباط باشد، این هم قابل قبول نیست؛ بله، ممکن است ما با برخی مباحث جدید اصول فقه روبرو شویم که اینک در طول تاریخ چنین بوده است که علم اصول ما به نسبت پرسشهای جدید فقهی که فقها با آن مواجه شده اند، طبیعتاً در علم اصول برای روش فهم و پاسخگویی آن مباحثی مطرح شده است که فقهای بزرگ ما بدان پرداخته اند که این راه هنوز هم باز است. ممکن است مباحث و پرسشهای جدیدتری از نظر منطق فهم و روش استنباط در آینده مطرح شود و مباحث اصول فقه ما گسترده تر و عمیق تر از سابق گردد.

مدیر مدرسه عالی فقه دارالهدی اعلام کرد: در معنای چهارم فقه پویا که قابل قبول تر است؛ فقه پویا به معنای فقهی است که از نظر گستره مسائل رو به گستردگی است یعنی شناخت دقیقی از مسائل روز و شرایط روزگار و وضعیت زندگی فردی و اجتماعی که انسان در این روزگار دارد با یک شناخت کامل نسبت به این مسائل با پرسشهای جدید فقهی روبرو می شود و در صدد است که به این پرسشهای جدید پاسخ دهد و نیز موضوعاتی را که احیاناً در اثر تحولات در زندگی بشر پدید آمده و تغییر یافته و حکم تازه ای پیدا کرده است، شناسایی کند. فقه پویا به این معنا کاملاً در طول تاریخ شیعه وجود داشته است، اگرچه از این اصطلاح استفاده نشده است و فقه شیعه فقهی کاملاً پویا است و سیر تحول کتب فقهی این را نشان می دهد که از زمان شیخ طوسی- قبل از نگارش کتاب مبسوط و بعد از نگارش- و تا زمان مرحوم محقق و مرحوم علامه و بعد فقهای متأخر مثل مرحوم صاحب جواهر و فقهای معاصر ما می بینید که پرسشهای جدید فقهی فراوانی مطرح شده است و فقهای بزرگوار ما در صدد پاسخگویی به این مسائل و پرسشها برآمدند بنابراین فقه پویا به این معناست و باید شناخت دقیق از موضوعات جدید داشته باشیم تا بتوانیم نیازهای انسان معاصر را در این زمینه ها پاسخگو باشیم.

وی یادآور شد: همانگونه که فقهای گذشته ما با پرسشهای جدید فقهی روبرو شدند و برای پاسخگویی به آنها وارد مباحث جدید اصولی شدند و دامنه علم اصول -که منطق علم فهم برای فقه است- گسترش پیدا کرد و بعد در فقه به کارگرفته شد، در این زمینه میدان باز است و ما به تناسب پرسشهای جدیدی که زمانه پیشروی ما قرار می دهد، برای پاسخگویی، احیاناً مباحث و مسائل جدید اصولی هم پیدا می کنیم که نیاز به پرداختن به آن باشد مثل برخی از مسائل عمیقی که در حوزه الفاظ مطرح است.

حجت الاسلام عمومی در پاسخ به این سؤال که برخی معتقدند علوم جدید، فقه ما را به چالش کشیده است؛ گفت: اولاً مراد از علوم جدید چیست؛ آیا منظور علوم پایه مثل ریاضی، فیزیک و غیره است؟ یا برخی از علوم تجربی و آزمایشگاهی و یا مباحث مربوط به فناوری و تکنولوژی و یا مباحث مربوط به علوم انسانی مثل مباحث روان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد علوم سیاسی و غیره مراد است؟ گسترش دامنه علوم جدید انسان را با شرایط جدید روبرو کرده است و به دلیل تحولاتی که در زندگی بشر اتفاق افتاده است مباحث بسیار بسیار نوپدید در زندگی انسان پیش آورده است؛ اگر انسانی اعتقاد به خدا و مبانی دینی اسلام داشته باشد، در مرحله تنظیم زندگی خود با آموزه های دینی، پرسشهای جدیدی برایش مطرح می شود چه در حوزه زندگی شخصی و یا روابط اجتماعی و چه در نوع ارتباط با هستی و محیط زیست و غیره. در واقع به جای کلمه چالش باید بگوییم که گسترش علوم جدید پرسشهای فراوانی را پیشروی فقه ما قرار داده است و ما نیازمندیم که فقهای بزرگوار و پژوهشگران فقه و فقهات به این پرسشهای جدید توجه کنند و تلاش علمی و روشمندی را برای پاسخگویی به این پرسشها داشته باشند.

وی با اشاره به ارتباط عمیق و قوی تر فقه با علوم انسانی تصریح کرد: ممکن است بسیاری از شاخه های علوم انسانی در بسیاری از موارد در تبیین موضوعات فقهی، به فقه کمک به سزایی داشته باشند و در عین حال ما از جهت مبانی نیازمندیم اینها را با هم مقایسه کنیم و ما نسبت به آن بخش از علوم انسانی که مبتنی بر مبانی تفکر غربی و تفکر لیبرالی است، نقد داریم و آن مبانی را نمی توانیم بپذیریم و در عین حال می توانیم یک نوع تعامل بین فقه و شاخه های مختلف علوم انسانی مطرح کنیم. اما یک بخش عظیم این علوم مربوط به گسترش پرسشهای جدید است و یک بخش آن روش فهم و پرسشهای جدیدی را در اصول فقه پیش روی ما می گذارد و یک بخش از آن هم ممکن است اختلاف مبنایی با آن داشته باشیم که طبیعی است نمی توانیم آن بخشها را بپذیریم.

این مدرس حوزه با تأکید بر پرهیز از افراط و تفریط در بحث #171؛ فقه پویا؛ یادآور شد: آنچه به شدت باید در پرداختن به این نوع مباحث تأکید شود پرهیز از افراط و تفریط است. ما در گام اول، دقیق و شفاف تعریفهای مان را باید ارائه دهیم چون نمی توانیم بر داده ای مبهم مثلاً فقه پویا ساعتها بحث کنیم بدون اینکه دقیقاً روشن کنیم مراد ما از فقه پویا چیست و پویایی در کدامیک از عرصه هاست؟ وقتی این مطلب روشن شد طبیعتاً ما باید شرایط و مسائل روز را به طور کامل بشناسیم و اگر ما از شناخت موضوعات جدید غفلت کنیم و خود را به همان مسائلی که تا کنون در فقه مطرح بوده است، محدود کنیم، دیر یا زود فقه ما از این چرخ سریع و پرتحول زمانه عقب خواهد ماند و بسیاری از پرسشها را ما بدون پاسخ گذاشته و فقه دچار انزوا خواهد شد؛ اما خوشبختانه الان برخی از حوزه های درسی به ویژه در حوزه قم این نوع مباحث جدید مورد توجه قرار گرفته است.

حجت الاسلام عمومی در پایان تصریح کرد: از طرفی باید از افراط پرهیز کنیم. مبدا ما با تکرار واژه ای مثل فقه پویا از روشهای بسیار بسیار قوی و متقنی که در طول تاریخ با زحمات فراروان علمای مان بدست آورده ایم غافل شویم چون این روشها امتحان داده است و تعبیری که امام راحل با عنوان #171؛ فقه جواهری؛ به کار می بردند یعنی فقهی مبتنی بر روشهای بسیار قوی و ریشه دار استنباط است. مبدا ما به بهانه پاسخگویی به پرسشهای جدید و با برخی شعارها مثل تحول از این روشهای متقن دست برداریم و به یک نوع سطحی نگری گرفتار شویم و مباحثی را مطرح کنیم که نتواند ما را به عمق مطالب دینی و پاسخهای دقیق از منابع معتبر برساند.